

نقش کارکردی شهرهای کوچک در توسعه شاخص‌های پایداری شهرهای حوزه نفوذ (مطالعه موردی: شهرستان نیکشهر)

محمد کریم رئیسی

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

معصومه حافظ رضازاده^۱

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

مریم کریمیان بستانی

گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۲/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۹

چکیده

صنعتی شدن و تحولات شهرنشینی در جهان معاصر زمینه‌هایی را ایجاد کرده که تجلی فضایی این سازو کار عدم تعادل‌های ناحیه‌ای و حرکت پیش از پیش جمعیت‌های مهاجر روستایی به سوی کانون‌های شهری را نمایان ساخته است. لذا برای پر کردن این فاصله و ایجاد روابط دو سویه بین دو جامعه شهری و روستایی، تقویت شهرهای کوچک به عنوان مراکز خدمات‌رسانی می‌تواند راهگشای بسیاری از این مشکلات باشد. لذا هدف پژوهش حاضر؛ نقش کارکردی شهرهای کوچک در توسعه شاخص‌های پایداری شهرهای حوزه نفوذ (مطالعه موردی: شهرستان نیکشهر) می‌باشد. رویکرد حاکم بر فضای تحقیق کیفی و کمی و نوع تحقیق کاربردی است. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از نرم افزارهای (SPSS و Expert Choice) و مدل Fuzzy VIKOR استفاده شده است. نتایج بررسی نقش کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ با استفاده از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام نشان داد که، متغیر مستقل (کارکرد شهر نیکشهر) و متغیرهای وابسته (اقتصادی و اجتماعی)، دارای رابطه معناداری در سطح $P=0/05$ می‌باشد. همچنین نتایج اولویت‌بندی ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی از نرم‌افزار Expert Choice نشان داد، در بین ابعاد توسعه به ترتیب بعد اقتصادی با وزن به دست آمده $0/550$ ، بعد اجتماعی با وزن به دست آمده $0/450$ ، رتبه اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. در نهایت نتایج رتبه‌بندی شهرهای حوزه نفوذ نیکشهر با تاکید بر ابعاد توسعه با استفاده از مدل Fuzzy VIKOR نشان داد که شهر اسپکه با Q به دست آمده $0/640$ و شهر بنت با Q به دست آمده $0/360$ ، در اولویت اول و دوم قرار دارند.

کلمات کلیدی: کارکرد شهرهای کوچک، حوزه نفوذ، توسعه پایدار شهری، نیکشهر

مقدمه

امروزه شهرها نقش مهمی در پراکنش جمعیت و توسعه اقتصادی دارند و با استفاده از سیاست‌هایی که در سیستم‌های شهری اعمال میشود، الگوهای فضایی توسعه اقتصادی شکل می‌گیرد (Chen, 1991: 346). شکل‌گیری الگوهای توسعه اقتصادی منجر به آفرینش نظام‌های شهری ویژه در فضاهای مختلف جغرافیایی می‌شود. مطالعات نشان داده است که گذشت زمان بیانگر افزایش نابرابری در اندازه شهرها بوده است (Pumain, 2003: 8). امروزه برنامه‌ریزان در ساخت شهرها و تعیین اندام جغرافیایی آنها به تعادل شهر و ناحیه، روابط هماهنگ شهر و روستا، توازن فضایی و تعادل انسان و محیط می‌اندیشند. ایجاد و رویش قارچ گونه شهری با اندام بلند جغرافیایی، در نواحی مختلف آن جا که روستاها پراکنده و نافروده هستند و روابط ارگانیکی بین شهر و روستا وجود ندارد به فروپاشی این تعادل‌ها خواهد انجامید. بایستی برنامه‌ریزی‌ها به پیروی از ویژگی‌های فیزیکی، اقتصادی و انسانی ناحیه روی تمام شهرهای ناحیه، از کوتاه اندام گرفته تا روستاها توزیع و پخش شود تا ارتباط هماهنگ و متعادل ناحیه با تمام مراکز شهری حفظ شود (حاتم‌نژاد و همکاران، ۱۳۹۰: ۲۳). شهرنشینی در کشورهای مختلف جهان یکی از نشانه‌های صنعتی شدن و گام نهادن در مسیر پیچیدگی‌های بیشتر در جوامع انسانی محسوب می‌شود، با رشد روزافزون شهرها به ویژه شهرهای بزرگ جوامع انسانی با مشکلات متعددی مواجه می‌شوند که از بارزترین آنها مشکل کمبود مسکن امکانات و تسهیلات و تأسیسات شهری ظرفیت‌های زیست‌محیطی آلودگی‌های منابع هوا خاک و آب و... است. بررسی و تلاش در رفع یا کاهش این مسائل و مشکلات راهکارهای بنیادی و ریش‌های را طلب می‌کند (فوادمرعشی و مجردخضراآباد، ۱۳۹۲: ۱۱). رشد شتابان شهرنشینی، توزیع فضایی جمعیت را در پهنه سرزمین نامتوازن نموده است. تمرکز امکانات و خدمات در کلانشهرها و عدم رشد متوازن شهرهای متوسط و کوچک باعث نابرابری جمعیتی در پهنه سرزمین و اختلاف سطح طبقاتی در جوامع شده است. همچنین به نظر می‌رسد توزیع جمعیت در شهرها بر پایه قاعده رتبه اندازه، از خط نرمال فاصله معناداری گرفته است. امروزه توجه برنامه‌ریزان به تمرکززدایی فضایی-کالبدی جمعیت و فعالیت با هدف توازن بخشیدن به نظام سکونتگاهی، مهار رشد ناهنجار کلان شهرها، کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای و دوگانگی شهری-روستایی به اتخاذ راهبردهای متفاوتی در زمینه توزیع جمعیت و شهرنشینی منجر شده است (پریزادی، ۱۳۹۱: ۴۳). موضوع نابرابری و عدم تعادل‌های فضایی میان سکونتگاه‌های شهری و روستایی از مباحث مهم اقتصاددانان و برنامه‌ریزان منطقه‌ای می‌باشد. وجود دوگانگی اقتصادی، قطب‌های رشد و پراکندگی نقاط روستایی از آثار این پدیده است. از این رو به منظور دستیابی به توسعه متوازن و یکپارچه در فضای منطقه‌ای، ایجاد سلسله مراتب متعادل و نظام‌یافته سکونتگاه‌ها از نیازهای اساسی به شمار می‌آید که در این میان توجه به شهرهای کوچک یکی از راهکارهای تعادل‌بخشی به این وضعیت می‌باشد (نوریزمان‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۸: ۶۱). در حقیقت تقویت شهرهای کوچک یکی از راهکارهای توسعه فضای منطقه‌ای است (نصیری هندخاله، ۱۳۸۸: ۲۷). با تقویت شهرهای کوچک می‌توان مسیر مهاجرت‌های روستاییان به شهرهای بزرگتر را تغییر داده و بسیاری از مشکلات موجود در نواحی روستایی را که ناشی از عدم

دسترسی مناسب روستاییان به مراکز خدماتی است برطرف نمود (رضوانی و همکاران، ۱۳۸۶: ۴۵). شهرهای کوچک، از موفق‌ترین نمونه‌های سکونتگاهی در راستای رفع ناموزونی‌های منطقه‌ای و نابرابری‌های فضایی هستند (Blowers, 2007: 17)، زیرا اغلب توانستند حلقه اتصال سطوح پایین با سطوح میانی و بالای نظام سکونتگاهی باشند و در کاهش عدم تعادل‌ها، جذب سرریزهای جمعیت شهرهای بزرگ و متوسط و جهت‌دهی مثبت به تحرکات جمعیت روستایی، سهم و جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص دهند. شهرهای کوچک و جایگاه آن در برنامه‌ریزی فضایی کشورهای در حال توسعه، بخشی از استراتژی‌های توسعه شهری را تشکیل می‌دهد. تجربیات جهانی در این زمینه بیانگر این واقعیت است که حل مسائل و مشکلات شهرهای بزرگ در گرو حمایت جدی از مراکز شهری کوچک می‌باشد. در سطح منطقه‌ای نیز انتشار توسعه به مراکز روستایی توسط شهرهای کوچک محرز گردیده است. در این میان روند رشد و گسترش شهرهای بزرگ (شهرهایی با بیش از پانصد هزار نفر جمعیت)، در ایران بسیار سریع و تمرکزگرایانه بوده و موجب پدید آمدن مشکلات و تنگناهای خاص محیطی، اقتصادی و اجتماعی شده است. شبکه شهری در ایران در سطوح ملی و منطقه‌ای با سیر تمرکزگرایانه، با گذشت زمان، شاهد بیشتر شدن فاصله کلانشهرها و سایر شهرها به ویژه شهرهای متوسط و کوچک در ابعاد جمعیتی، اقتصادی و اجتماعی بوده است (فنی، ۱۳۸۳: ۸۱).

نظام شهری ایران به دلیل تمرکز امکانات و خدمات در شهرهای بزرگ، از الگوی کهکشانی در قبل از سال ۱۳۰۰، به الگوی زنجیره‌ای متمایل شده است. این الگو، ضمن بر هم‌زدن روابط منطقی شهرهای کوچک، میانی و بزرگ با یکدیگر، باعث آشفستگی و عدم تعادل فضایی در نظام شهری - منطقه‌ای آن شده است (علی‌اکبری و همکاران، ۱۳۹۴: ۵۵).

نظر به اینکه تحولات جمعیتی ایران در دهه‌های اخیر، بیش از پیش افزایش تعداد شهرهای کوچک را در پی داشته است، این امر عطف توجه به جایگاه و نقش این شهرها در نظام سلسله مراتب شهری کشور از یکسو و کارکردهای اقتصادی آن‌ها در حوزه پیرامونیشان را از سوی دیگر ضروری ساخته است (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۵۵). آنجا که در کشورهای در حال توسعه‌ای همچون ایران، توزیع فضایی جمعیت و توزیع فضایی کانون‌های شهری در یک چهارچوب منظم و هماهنگ بخشی - منطقه‌ای صورت نگرفته، رشد شتابان جمعیت شهرنشین مسایل و مشکلاتی را ایجاد نموده است. به منظور دستیابی به توسعه متوازن و یکپارچه در فضای منطقه‌ای، ایجاد سلسله مراتب متعادل و نظام یافته‌ی سکونتگاه‌ها از نیازهای اساسی به شمار می‌آید که در این میان توجه به شهرهای کوچک یکی از راه کارهای تعادل‌بخشی به این وضعیت می‌باشد. شهرهای کوچک در ایران به عنوان مکان مرکزی دارای بیشترین روابط با حوزه‌های روستایی هستند. نقش اینگونه شهرها نه تنها به صورت مراکز توزیع خدمات و بازار فروش محصولات کشاورزی موجب پویایی بخش کشاورزی می‌گردد بلکه عاملی در تجاری شدن بخش کشاورزی در حوزه‌های روستایی نیز هستند (روستایی و باقری، ۱۳۸۹: ۵). در ایران علیرغم اهمیت این شهرها، در طرح‌های ملی و منطقه‌ای شهرهای کوچک در اولویت آخر قرار دارند. در صورتی که توسعه شهرهای کوچک به دلیل توزیع

متوازن و عادلانه جمعیت، سرمایه، امکانات و تسهیلات، کاهش مشکلات شهرهای بزرگ، تقلیل نابرابری‌های منطقه‌ای و همچنین توزیع یکسان و عادلانه انواع فعالیت‌ها و امکانات در سطوح ملی و منطقه‌ای حائز اهمیت می‌باشند (بهسا و زرابادی، ۱۳۹۶: ۸).

امروزه بروز مسایل و مشکلات بیشماری نظیر تمرکز جمعیت، فعالیت و خدمات در شهرهای بزرگ سبب عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نوعی گسیختگی فضایی شده است. استان سیستان و بلوچستان نیز از این قاعده مستثنی نیست و نابرابری و عدم تعادل در توزیع بهینه خدمات و امکانات سبب پخشایش نامتوازن جمعیت در پهنه استان و برهم خوردن نظام سکونتگاهی شده است. از آن جا که تمامی امکانات و سطوح عالی خدماتی، اجتماعی، اقتصادی در شهر زاهدان قرار دارد، بنابراین روز به روز به جمعیت این شهر اضافه شده و از جمعیت شهرهای کوچک و میانی کاسته می‌شود، بنابراین باید با اعمال سیاست‌هایی و با کمک شهرهای میانی و کوچک و توجه به نقش این شهرها از پدیده نخست شهری جلوگیری کرد. شهرستان نیکشهر دارای ۳ مرکز شهری به نام‌های نیکشهر، اسپکه و بنت و تعداد ۴ بخش به اسامی مرکزی، لاشار، بنت و آهوران و تعداد ۱۱ دهستان و ۳۹۵ روستا می‌باشد. جمعیت شهرستان نیکشهر در سال ۱۳۹۵ (۱۴۱،۸۹۴)، می‌باشد که (۱۷۰،۱۸)، در شهر نیکشهر زندگی می‌کنند. شهر نیکشهر، با مشکلاتی از قبیل ضعف شبکه ارتباطی و عدم امکان دسترسی مناسب به شهرها و روستاهای منطقه، کمبود تاسیسات و تجهیزات، ضعف خدمات زیرساختی و توان عملکردی پایین در ارائه خدمات به منطقه روبرو است، همچنین داشتن تعداد زیاد شهرهای کوچک و روستاها، این شهر را در حوزه نفوذ خود در راستای خدمات‌رسانی با مشکلات خاصی روبرو کرده است. در این راستا تقویت شهر کوچک نیکشهر در راستای تقویت توسعه ناحیه‌ای، می‌تواند نقش مثبتی در توسعه شهرها کوچک و روستاهای منطقه داشته باشد.

لذا در این پژوهش به دنبال آن هستیم که جایگاه اجتماعی - اقتصادی، شهر نیکشهر را به عنوان یک شهر کوچک در توسعه شاخص‌های پایداری شهرهای حوزه نفوذ بررسی نموده و مسائل و مشکلات را تجزیه و تحلیل تا به توسعه متعادل ناحیه‌ای دست پیدا کنیم. در این راستا پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به سوالات ذیل می‌باشد:

۱- تاثیر نقش کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اقتصادی شهرهای حوزه نفوذ به چه میزان است؟

۲- آیا کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ تاثیر دارد؟

۳- آیا شهر نیکشهر در شهرهای حوزه نفوذ تاثیر متفاوتی گذاشته است؟

در راستای سوالات پژوهش به دنبال دستیابی به اهداف ذیل می‌باشیم:

- عملکرد کارکرد شهر نیکشهر در توسعه شاخص‌های پایداری شهرهای حوزه نفوذ.
- بررسی عملکرد شهر نیکشهر در توسعه ناحیه‌ای.
- تاثیر نقش کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اقتصادی شهرهای حوزه نفوذ.
- بررسی کارکرد شهر نیکشهر در توسعه شاخص‌های اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ.

جنبه نوآوری در این پژوهش می‌توان اشاره کرد که در زمینه نقش کارکردی شهر کوچک نیکشهر در توسعه شاخص‌های پایدار شهرهای حوزه نفوذ، تاکنون پژوهشی صورت نگرفته است، و در محدوده زمانی و مکانی حاضر برای اولین بار است که به انجام می‌رسد. همچنین با شناسایی نقش کارکردی شهر نیکشهر در سطح ناحیه می‌توان به توسعه پایدار شهری و ناحیه‌ای کمک کرد.

این تحقیق به روش تحلیلی- توصیفی انجام گرفته، گرچه از سایر روش‌ها نیز در مطالعات بهره گرفته شده است. تحلیلی از این جهت که ناظر بر بررسی کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ می‌پردازد. به منظور انجام این پژوهش به دو روش اسنادی و میدانی به تهیه اطلاعات و تجزیه و تلفیق آنها اقدام شده است. در مرحله‌ی اسنادی به گردآوری اطلاعات از کتب، نشریات، آمارنامه‌ها، نقشه و سایت‌های اینترنتی پرداخته شده است. در مرحله اخذ اطلاعات میدانی، ضمن مشاهده و مصاحبه با ساکنین شهر از طریق پرسش‌نامه‌ها، اطلاعات لازم اخذ شده است.

جهت تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، از نرم‌افزارهای SPSS و Expert Choice و مدل Fuzzy VIKOR استفاده می‌شود. نهایتاً با استخراج و تحلیل اطلاعات به دست آمده و تلفیق آنها با یافته‌های حاصل از بررسی‌های اسنادی به تدوین نتایج تحقیق اقدام شده است. در این تحقیق متغیر مستقل، کارکرد شهر نیکشهر و متغیر وابسته توسعه اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. جامعه آماری نیز شامل ساکنان شهرهای حوزه نفوذ شهر نیکشهر در شهرستان نیکشهر می‌باشد که با استفاده از فرمول کوکران با توجه به جمعیت شهرهای مورد بررسی (اسپکه و بنت)، در سال ۱۳۹۵ (10541) نفر می‌باشد. این تعداد ۳۷۰ پرسشنامه بر اساس نمونه‌گیری درصد تناسب بین شهرها توزیع خواهد شد.

پیشینه تحقیق

مکانیکی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی نشان دادند که شهر کوچک خوسف می‌تواند دارای نقش واسطه‌ای در ارائه خدمات به حوزه‌های نفوذ خود باشد. قادرمرزی و رحمانی (۱۳۹۸)، در پژوهشی به بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه فضایی منطقه‌ای پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که شهر کوچک دهگلان در بخش‌های کشاورزی و صنعت به ترتیب با ۶۷.۱ و ۱۷.۱ دارای اقتصاد پایه و در بخش خدمات دارای اقتصاد غیر می‌باشد. این مسأله با توجه به نقش مرکزیت شهر دهگلان در سطح شهرستان نشان دهنده ضعف این بخش در اقتصاد پایه می‌باشد. خسروی و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به مطالعه تطبیقی قاعده رتبه اندازه و مدل دیفرانسیل شهری در نظام سلسله مراتبی شهری استان همدان با تاکید بر نقش شهرهای کوچک، پرداخته‌اند. نتایج حاکی از ضعف شهرهای کوچک، میانی و فاصله زیاد نخست شهر با خط نرمال در قاعده رتبه اندازه است همچنین نقاط شهری در مراحل ابتدایی رشد شهرهای میانی متوقف شده‌اند به گونه‌ای که ضعف شهرهای میانی چه از نظر تعداد چه از نظر جمعیت باعث کثرت شهرهای کوچک شده است. از طرفی بررسی جمعیت‌پذیری شهرهای استان و فراوانی آنها طی ۵۰ سال اخیر نشان می‌دهد تبدیل روستاها به شهرهای کوچک در استان همدان سیاستی ناکارآمد بوده است زیرا طبق مدل

دیفرانسیل شهری ابتدا باید به تقویت شهرهای میانی پرداخته شود سپس سیاست‌های توسعه شهرهای کوچک در دستور کار قرار گیرند. بهسا و همکاران (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی تعادل بخشی و توسعه منطقه‌ای در ایران با تاکید بر شهرهای کوچک، پرداخته‌اند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد توسعه و تقویت شهرهای کوچک توسعه منطقه‌ای را به دنبال دارد. در واقع این شهرها در صورت برخورداری از شرایط و امکانات لازم و با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب می‌توانند نقش مهمی در تعادل بخشی و توسعه منطقه‌ای ایفا نمایند. شیخ الاسلامی و محجوبی (۱۳۹۶)، در پژوهشی به بررسی تنگناها و مشکلات و محدودیت‌های کانون‌های شهری کوچک (نمونه موردی: شهر اشترینان)، پرداخته‌اند. نتایج نهایی مدل SWOT حاکی از این است که جمع امتیاز وزنی عوامل داخلی ۱,۴۳ و عوامل خارجی ۱,۹۸ می‌باشد که نشان دهنده غلبه نقاط ضعف بر قوت و غلبه نقاط تهدید بر فرصت تحلیل تنگناها و محدودیت‌های مدیریت کانون‌های شهری کوچک است. بگلری و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی به ارزیابی جایگاه شهرهای کوچک در توسعه ناحیه‌ای: مطالعه موردی شهر سرپل ذهاب، پرداخته‌اند. نتایج حاکی از آن است که با توجه بیشترین برنامه‌ریزان و دست‌اندرکاران شهری به شهرهای کوچک بسیاری از معضلات شهرهای بزرگ کاسته و در نتیجه زمینه نیل به توسعه پایدار شهری فراهم می‌گردد. نیکسرشت و همکاران (۱۳۹۱)، در پژوهشی به تحلیل و ارزیابی کارکرد شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامونی (نمونه موردی: شهر سرابله - شهرستان شیروان - چرداول)، پرداخته‌اند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که: شهر «سرابله» اثرات مستقیمی بر روی توسعه روستاها داشته است و موجب افزایش درآمد، مشارکت جمعی، انگیزه ماندگاری و امید به زندگی در روستاها شده است. آدام و پاتیرسیا (۲۰۲۰)، در پژوهشی نشان دادند که، شبکه شهرهای کوچک در لهستان در توسعه اقتصادی - اجتماعی، منطقه پیرامون تاثیر به سزایی داشته است. همچنین نتایج تحقیق باربارا و همکاران (۲۰۲۰)، بر نقش شهرهای کوچک در توسعه و جذب جمعیت تاکید دارند. کیواتس - سولتی (۲۰۱۱)، در تحقیقی موانع و عوامل رشد شهرهای کوچک لهستان را بررسی کرده و اذعان داشت که فرصت توسعه کشور بستگی به وضعیت شهرهای کوچک دارد. وی توسعه‌یافتگی شهرهای کوچک را منوط به اقتصاد گردشگری، تفریح و استراحتگاه، زیرساخت‌های فنی توسعه یافته (عمدتاً مسکن)، بهداشت، آموزش، نقش فرهنگی، مجاورت با شهرهای بزرگ، فعالیت‌های اقتصادی و سیاست‌های حمایتی عام‌المنفعه دولت با تغییرات فضایی و تغییر در بازار محلی دانسته است. لیو و کامپب (۲۰۰۹)، در مقاله‌ای، درک پویایی‌های اکولوژیکی و اقتصادی سیستم‌های کشاورزی در شهرهای پیشرو کوچک چین را حائز اهمیت دانسته و توسعه صنعتی و کشاورزی شهرهای کوچک که برای بهره‌برداری کامل از نیروی کار مازاد روستایی چین مورد استفاده قرار می‌گیرد را استراتژی اصلی مدیریت زیست‌محیطی آن برشمرده‌اند. هنری (۲۰۰۷)، در تبیین نقش شهرهای کوچک و میانی در توسعه ملی، شهرنشینی اشاعه یافته از پایین، که توسعه شهرهای کوچک و میانی را در بر دارد، وسیله‌ای میسر و عملی جهت توسعه کشورهای در حال توسعه دانسته است که هدف آن کمک به ایجاد فرصت‌های شغلی و رشد ناحیه‌ای در مجاورت زندگی آنان است. کاماندا (۲۰۰۷)، با مطالعه شهرهای کوچک در آمریکای جنوبی (قنا) به این نتیجه رسیده است که توسعه و تقویت شهرهای کوچک منجر به ایجاد اشتغال،

تمرکززدایی، جذب سرمایه‌گذاری‌ها و کاهش نابرابری‌های ناحیه‌ای شده است. یانکسون (۲۰۰۸)، در تحقیقی تحت عنوان شهرهای کوچک و توسعه غیرمتمرکز در غنا (تئوری و عمل) از DCDM استفاده نموده است. بر اساس DCDM هدف تقویت سرمایه‌های ناحیه‌ای تنها رشد این مراکز نیست بلکه تقویت پیوندهای روستا - شهری است. اهداف دیگر آن تقویت کشاورزی در پسرانه‌ها و به وجود آوردن فرصت‌های اشتغال برای کشاورزان است. تاکولی (۲۰۰۶)، اعتقاد دارد اگر چه در فرایند توسعه منطقه‌ای بر شهرهای کوچک و متوسط تاکید شده است اما ضروری است کارکرد این شهرها در شرایط گسترده نظام شهری و سیاست‌های توسعه منطقه‌ای مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد.

مبانی نظری

توجه به بعد فضایی توسعه، تلاش برای ایجاد شرایطی است که نواحی محروم‌تر از منافع توسعه بیشتر بهره‌مند شوند و فاصله بین نواحی توسعه‌یافته و توسعه نیافته کاهش یابد. این امر نیازمند ایجاد تشکیلات فضایی مناسب است. در واقع سکونتگاه‌های با اندازه‌های گوناگون، کارکردهای آنها و روابط متقابلی که از طریق شبکه‌های ارتباطی بین آنها برقرار می‌شود بر روی هم تشکیلات مکانی نامیده می‌شود (میسرا، ۱۳۵۳: ۱۰). یک تشکیلات و ساخت فضایی مطلوب باعث کاهش عدم تعادل اقتصادی، اجتماعی و فضایی بین سطوح گوناگون جامعه و نواحی می‌گردد، سطح بهره‌وری منابع و فعالیت‌ها را افزایش می‌دهد و به ویژه برای مناطق محروم راهکارهای ویژه‌ای می‌اندیشد. برنامه‌ریزی فضایی بدنال یک نظم فضایی ارگانیک است که در آن هر جامعه و سرزمین بر اساس جایگاه و مرتبه‌ای که دارد در فرایند توسعه، فعالیت‌ها و کارکردها نقش داشته باشد و در حد جایگاه خود از منابع و دستاوردهای توسعه بهره‌مند گردد. مسئله ساختن مفهومی از فضا تنها می‌تواند از طریق پراتیک انسان (کارکردهای اجتماعی، اقتصادی و سیاسی) و در ارتباط با آن تعریف شود (هاروی، ۱۳۷۶: ۱۵). به نظر می‌رسد که روش دستیابی به توسعه منطقه‌ای، بر اساس این که مبتنی بر روش بالا به پایین، یا پایین به بالا باشد، در شکل‌گیری ساختار سلسله مراتبی متفاوت نقش زیادی داشته باشد. رهیافت بالا به پایین به عنوان یک روش تغییر یا توسعه، بر این اصل استوار است که بالاترین سطح مراتب سکونتگاه‌ها بهترین مکان برای دستیابی به نرخ بالاتری از رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی است. این نرخ بالاتر رشد از طریق استفاده از مزایای انباشت و تمرکز که در مراکز بزرگتر وجود دارد، بدست می‌آید. این روش ریشه در مدل‌های اقتصادی نئوکلاسیک دارد. نگرش بالا به پایین همچنین در ارتباط با روند توسعه، دیدگاه‌های سیاسی، اقتصادی خاصی را شامل می‌شود. مدل‌ها و تئوری‌های کلیدی در قالب این رهیافت شامل میردال (۱۹۵۷)، هیرشمن (۱۹۵۸)، مدل‌های علیت انباشتی، مکتب وابستگی آمریکای لاتین (دهه ۱۹۷۰)، تئوریهای منطقه غالب و مکان مرکزی والتز کریستالر (۱۹۳۱) و تئوری‌های قطب، مرکز رشد، لوش و پرو (۱۹۵۵) و بودویل (۱۹۶۶)، است (جمعه‌پور، ۱۳۸۴: ۱۱۴). مدل‌ها و تئوری‌های مبتنی بر راهبرد بالا به پایین از این نظریه الهام می‌گیرند که توسعه نمیتواند بطور اتفاقی در سطح یک منطقه شکل گیرد. بر اساس این نظریه در برنامه‌ریزی منطقه‌ای این اصل پذیرفته می‌شود که توسعه گرایش به استقرار در واحدهای اقتصادی بزرگتر و متراکم‌تر نسبت به واحدهای

پراکنده و نواحی کم تراکم دارد. در این مدل‌ها به وضعیت‌های محلی، تفاوت‌ها و ویژگی‌های خاص مناطق توجهی نمی‌شود و یک روند کاملاً یک طرفه از بالا به پایین که لازمه آن تمرکز شدید بر اساس معیارهای اقتصادی و صرفه‌مقیاس بالاتر است مورد تأکید قرار می‌گیرد (Okali et al, 2001: 2). در سوی دیگر روش‌های توسعه، استراتژی تغییر از پایین به بالا عکس روش توسعه بالا به پایین و در مقابل آن قرار می‌گیرد. این رهیافت در توسعه فضایی و سرزمینی بدنبال اصلاح وضعیت اجتماعی و اقتصادی سکونتگاه‌ها، جمعیت و فعالیت با تمرکز در سطوح پایین سلسله مراتب سکونتگاهی و پس از آن انتقال به سطوح بالاتر است. این رهیافت در عین حال بر این نکته تأکید می‌کند که روش پایین به بالا و بالا به پایین ضرورتاً با هم در تناقض نیستند، بلکه بحث بر سر این است که مراکز شهری و نواحی پیرامونی در فرایند توسعه و تغییرات اجتماعی و اقتصادی باید بر نهادهای شان به نسبت جایگاهی که دارند، کنترل داشته باشند. در این روش مراکز شهری بر مبنای توسعه شهرهای میانی و کوچک و دیگر مراکز در سطوح پایین سلسله مراتب سکونتگاهی مورد تأکید قرار می‌گیرند. بنابراین مراکز سطوح پایین سلسله مراتب یعنی شهرهای میانی کوچک و روستا شهرها به نحو چشمگیری توسعه می‌یابند. این یعنی شهرهای میانی، کوچک و روستا شهرها به نحو چشمگیری توسعه می‌یابند. این روش در الگوهای توسعه جایگزین، و روش نیازهای اساسی جایگزین روش بالا به پایین می‌شود (George, 2003, 3).

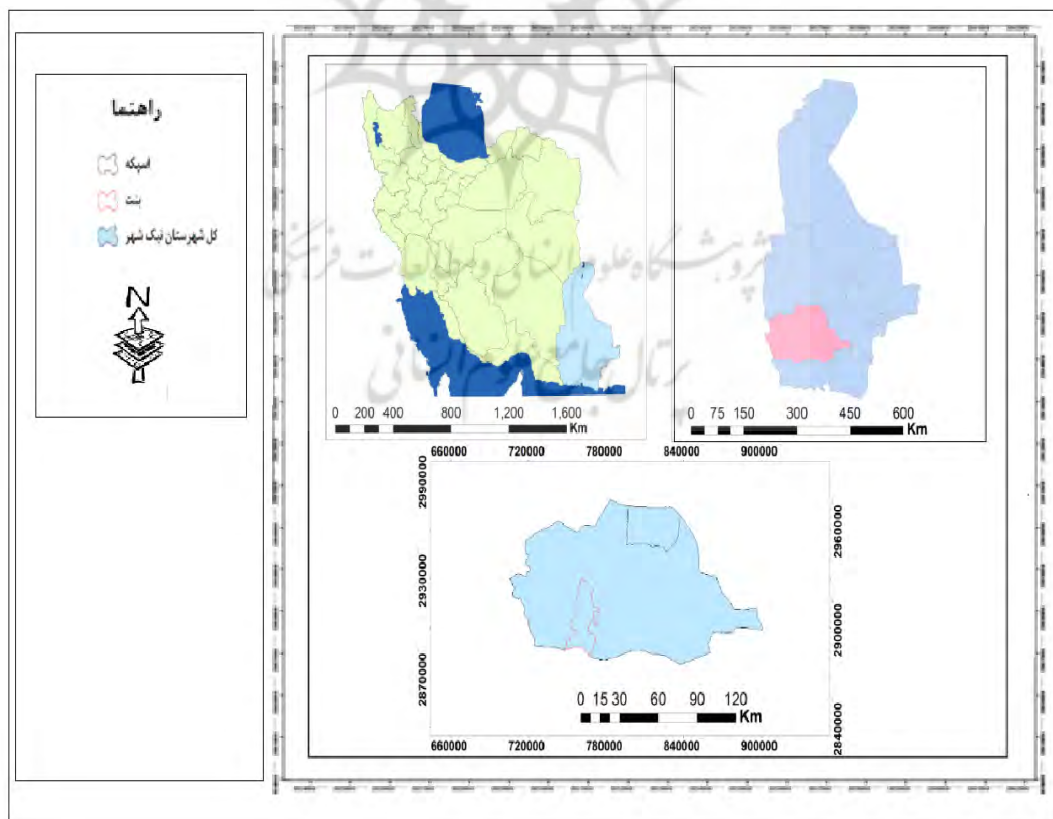
مراکز شهری میانی و کوچک به توسعه منطقه‌ای و روستایی به چهار روش زیر کمک می‌کنند:

- با اجرای نقش به عنوان مراکز تقاضای بازار برای تولید محصولات کشاورزی از منطقه‌ای روستایی و از سوی دیگر برای مشتریان محلی یا برقراری ارتباط با بازارهای ملی و صادراتی دسترسی به بازارها پیش شرط افزایش درآمدهای کشاورزی روستایی است و همجواری مراکز میانی و کوچک محلی با نواحی.
 - با اجرای نقش به عنوان مراکز برای تولید و توزیع کالاها و خدمات در منطقه، چنین تجمعی کاهش هزینه‌ها و بهبود دسترسی به تنوع خدمات بخش عمومی و خصوصی و برای خانوارها و مؤسسات در نظر گرفته شده است (فنی، ۱۳۸۲: ۴۶) از این رو گسترش خدمات کشاورزی، بهداشت و آموزش (و دسترسی به سایر خدمات دولت)، به علاوه بانکداری، پست و خدمات حرف‌های همچون قانون‌گذاران و حسابداران و پایینترین سطوح خدمات از قبیل دک‌داران و رستوران‌ها و عمده‌فروشان و خرده‌فروشان کالاهای تولیدی در منطقه یا بیرون از منطقه را در بر گرفته است.
 - با اجرای نقش مراکز برای رشد و تثبیت فعالیت‌های غیرکشاورزی، روستایی و اشتغال، از طریق توسعه مؤسسات کوچک و متوسط اندازه یا از طریق مکانیابی مجدد شعبه‌های مؤسسات خصوصی بزرگ.
 - با جلب توجه مهاجرین روستایی از منطقه زیر پوشش از طریق تقاضا برای نیروی کار غیرکشاورزی و بدین وسیله کاهش فشار بر مراکز شهری بزرگتر (Tacoli, 2004, 23).
- در نهایت باید گفت، در کشورهای در حال توسعه نظیر ایران، پراکندگی سیستم‌های شهری به صورت نامتعادل شکل گرفته و در این کشورها شهرهای کوچک به طور طبیعی توسعه نیافته‌اند، پس سرمایه‌گذاری‌های زیربنایی در

این قبیل شهرها بیش از پیش در امر توسعه ضرورت دارد تا شکل متعادل تری به سیستم‌های شهری در این کشورها، ببخشد.

محدوده مورد مطالعه

نیکشهر در عرض جغرافیایی ۲۶ درجه و ۱۳ دقیقه شمالی و در طول جغرافیایی ۶۰ درجه و ۱۲ دقیقه شرقی و در بخش جنوبی استان سیستان و بلوچستان واقع شده است. شهرستان مذکور از لحاظ موقعیت نسبی از سمت شمال و شرق با شهرستانهای ایرانشهر و سرباز، از سمت جنوب با شهرستانهای چابهار و کنارک و از سمت غرب با شهرستان فنوج همسایگی دارد. این شهرستان دارای سه بخش (بنت، لاشار و آهوران)، هفت دهستان و سه شهر است. شهر اسپکه مرکز بخش لاشار شهرستان نیکشهر میباشد. بخش لاشار یکی از بخش‌های شهرستان نیکشهر است. این بخش به دو قسمت لاشار شمالی و لاشار جنوبی تقسیم شده و یکی از بزرگترین و قدیمی‌ترین بخشهای استان به حساب می‌آید. شهر اسپکه در ارتفاع ۷۳۵ متری از سطح دریا واقع شده است. جمعیت شهر اسپکه ۴۷۱۹ نفر می‌باشد. شهر بنت مرکز بخش بنت از توابع شهرستان نیکشهر در استان سیستان و بلوچستان است. این شهر بین ۲۶ درجه و ۱۷ درجه عرض شمالی و ۵۹ درجه و ۱۳ درجه طول شرقی گرینویچ در ارتفاع ۴۰۰ متری از سطح دریا واقع شده است. جمعیت شهر بنت در سال ۱۳۹۵ (۵۸۲۲ نفر) بوده است (سالنامه آماری استانداری سیستان و بلوچستان، ۱۳۹۷).



شکل (۱): موقعیت تقسیمات سیاسی شهرستان نیکشهر،

منبع: فرمانداری شهرستان نیکشهر، ۱۳۹۷

نیکشهر یکی از آبادی‌های اولیه‌ای است که پس از دوران کوچ نشینی و دامداری ایجاد گردیده است و به سبب داشتن آب فراوان و وجود چشمه‌سارها که حتی در خشکسالی بعضی بی آب نشدند، باعث گردید مردمان اولیه در این محل سکونت دائمی اختیار کنند به همین دلایل بود که بعدها بعنوان یکی از مراکز مهم مکران به حساب آمد. که به نوعی مرکز مکران قرار گرفت. تا زمان سلطنت رضاخان (گه) نام داشت به معنی گهتر و بهتر و در زمان رضاشاه به نیکشهر تغییر نام یافت. برخی از تاریخ‌نویسان عرب نیز از این بخش به نام‌های «قیقان»، «حی»، «گزیون»، «شهرگرد» و «کدوگاه» یاد کرده‌اند. دلیل اولیه پیدایش این بخش، گذشتن راه قدیمی زاهدان - چابهار از این منطقه و به تبع آن پدید آمدن آبادی‌هایی در کنار این راه می‌باشد که به تدریج شکلی متمرکز به خود گرفتند، پس از مدتی، با تغییر راه قدیم زاهدان - چابهار و عبور آن از جکیگور این شهر که از طریق راه قدیم تغذیه می‌شده رفته رفته اهمیت خود را از دست داده از رونق افتاد. اما بعدها با احداث راه جدیدی در نزدیکی این شهر دوباره اهمیت پیشین خود را بازیافت و شروع به پیشرفت کرد. از آن پس شهر نیکشهر بار دیگر رو به رشد گذاشت به طوری که در سال ۱۳۴۵ شهرداری نیکشهر تاسیس شد و در سال ۱۳۶۸ از چابهار جدا شد و بعنوان یک شهرستان مستقل تأسیس گردید.

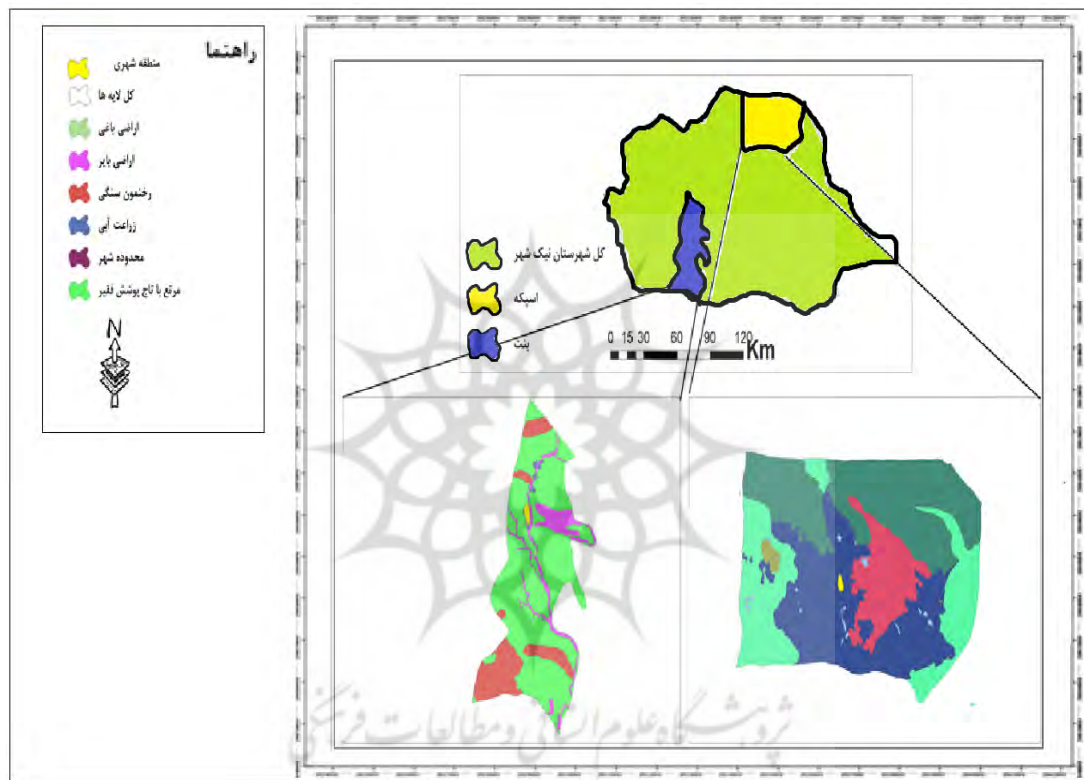
تجمع آثار تاریخی و بافت‌های مسکونی قدیمی در بخش غربی شهر کنونی، که می‌توان به قلعه‌ی نیکشهر، مسجد عبدالقادر، قلعه‌ی تمپی و درخت کهنسال انجیر معابد (که هم اکنون از بین رفته است) اشاره کرد که نشانی از متمرکز بودن یکجانشینی در گذشته در این ناحیه از شهر می‌باشد.

نیکشهر تا سال ۱۳۵۵ به عنوان نقطه‌ای روستایی محسوب می‌شده است و پس از این سال و در سرشماری ۱۳۶۵ با جمعیتی معادل ۶۶۳۶ نفر بعنوان نقطه‌ای شهری سرشماری شده است و بعد از سال ۱۳۶۵ آبادی یا آبادی‌هایی در شهر نیکشهر ادغام شده اند که آبادی پیربیشک یکی از آنهاست (طرح جامع نیکشهر، ۱۳۹۵).

شهرستان نیکشهر جزء نواحی دره‌های کوهستانی استان به شمار می‌رود و رشته کوه‌های فنوج و لاشار مهمترین ارتفاعات شهرستان را تشکیل می‌دهد. منطقه مورد مطالعه که درزون مکران، ایران خاوری قرار گرفته به شدت تحت تأثیر فازهای کوهزایی آلپ پسین بوده است و در مراحل نهائی آن شکل کنونی خود را به دست آورده است. چین خوردگی سری‌های فلیش و گسله‌های موجود در آنها کوهستان‌ها را بوجود آورده‌اند. گسله‌های موجود از نوع گسله‌های نرمال می‌باشند. رودخانه نیکشهر که در جهت عمود بر امتداد لایه‌های رسوبی جریان دارد در نتیجه چین خوردگی‌های و گسل بوجود آمده است. با توجه به نحوه قرار گرفتن لایه‌های رسوبی نسبت به امتداد رودخانه که در جهت عمود برهم می‌باشند و جهت شیب آنها، فرآیندهای مثل لغزش و ریزش وجود ندارد و با توجه به نفوذپذیری سازندهای فوق و وضعیت زمین‌شناسی آنها فرآیند با تلاقی شدن نیز در منطقه صورت نخواهد گرفت. در حاشیه رودخانه‌ها نیکشهر (در قسمت غرب و جنوب غربی شهر نیکشهر) کلیه رخنمون‌های سنگی شیل و ماسه سنگ به رنگ ارغوانی خاکستری می‌باشند. ماسه سنگها از لایه نازک تا لایه متوسط و بطور نادری لایه ضخیم در تغییر می‌باشند. سنگ‌های کهن تراژائوسن در ناحیه نیکشهر را دریفی از سنگ‌های افیولیتی شامل سرپانتین،

پریدوتیت، گابروه، دیاباز، اسپیلیت، و پلاژیو گرانیت تشکیل می‌دهند. رسوبات پلاژیک همراه با افیولیت‌ها شامل شیلهای رادیولاردار و فورس سنگ (سیلتستون) توام با آهک های دارای و گلوبوته نکا، با سنی معادل کرتاسه پایانی (سانتون- ماستریشین) می‌باشند.

خاک زمینهای جنوب نیکشهر و برخی از برجستگیهای این منطقه که از شن و ماسه پدید آمده است و آکنده از سنگواره‌هاست نشان دهنده این است که بیشتر سرزمین بلوچستان در دوران های گذشته زیر آب بوده و با گذشت زمانی طولانی از زیر آب بیرون آمده است (طرح جامع نیکشهر، ۱۳۹۵).



شکل (۲): زمین شناسی مناطق مورد مطالعه

منبع: فرمانداری شهرستان نیکشهر، ۱۳۹۷

آب و هوای شهرستان نیکشهر در تابستان گرم و خشک و در زمستان معتدل است و بادهای باران آور موسمی در فصل تابستان و بادهای باران آور غربی (مدیترانه ای) در فصل زمستان در این منطقه موجب ریزش پراکنده باران می‌شوند. خصوصیات اقلیمی آن تحت تأثیر توپوگرافی ارتفاعات این شهرستان از یک طرف و دریای عمان از طرف دیگر قرار دارد و جزء اقلیم بیابانی گرم شدید است (طرح جامع نیکشهر، ۱۳۹۵).

جمعیت شهرستان نیکشهر طبق آخرین سرشماری نفوس و مسکن در سال ۱۳۹۵ (۱۴۱۸۹۴ نفر) می‌باشد. که از این تعداد ۲۸۲۷۳ در نقاط شهری و ۱۱۳۵۹۱ در نقاط روستایی زندگی می‌کنند. همچنین از این تعداد بیشترین جمعیت در خانوارهای ۵ نفره (۲۶۱۱۰) و کمترین در خانوارهای ۱۰ نفره و بیشتر (۲۸۴۸) زندگی می‌کنند (نتایج سرشماری نفوس و مسکن، ۱۳۹۵).

یافته‌ها

بررسی میزان تاثیر کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ

به منظور بررسی سوال اول و دوم پژوهش، به تحلیل نقش کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. متغیر مستقل (کارکرد شهر نیکشهر) و متغیرهای وابسته (اقتصادی)، دارای رابطه معناداری در سطح $P=0/05$ میباشد. لذا در ابتدا ۱۶ متغیر اقتصادی برای پیش بینی متغیر مستقل مورد استفاده واقع شدند. در اولین گام متغیر افزایش عدالت اقتصادی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/67$ و ضریب تعیین برابر با $0/54$ بدست آمد، به عبارتی دیگر $0/54$ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی توسعه اقتصادی شهرهای حوزه نفوذ توسط این متغیر تبیین میگردد. در گام دوم متغیر هزینه‌های تولید در منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/54$ و ضریب تعیین برابر با $0/35$ بدست آمد. در گام سوم متغیر افزایش صادرات محصولات منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/76$ و ضریب تعیین برابر با $0/73$ بدست آمد. در گام چهارم متغیر جذب گردشگر وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/56$ و ضریب تعیین برابر با $0/78$ بدست آمد. در گام پنجم متغیر تقویت پایه‌های اقتصادی منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با $0/70$ و ضریب تعیین برابر با $0/52$ بدست آمد. در گام ششم متغیر ایجاد فرصت‌های جدید شغلی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/76$ و ضریب تعیین برابر با $0/66$ بدست آمد. در گام هفتم متغیر استفاده کامل از مهارت‌های موجود در منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/90$ و ضریب تعیین برابر با $0/81$ بدست آمد. در گام هشتم متغیر تولید کشاورزی منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با $0/76$ و ضریب تعیین برابر با $0/83$ بدست آمد. در گام نهم متغیر امنیت درآمد وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با $0/65$ و ضریب تعیین برابر با $0/63$ بدست آمد. در گام دهم متغیر سرمایه‌گذاری مردم وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/74$ و ضریب تعیین برابر با $0/76$ بدست آمد. در گام بعدی متغیر سرمایه‌گذاری دولت وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/74$ و ضریب تعیین برابر با $0/67$ بدست آمد. در گام بعدی متغیر تنوع در محصولات کشاورزی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/83$ و ضریب تعیین برابر با $0/79$ بدست آمد. در گام بعدی متغیر تغییر کاربری اراضی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با $0/84$ و ضریب تعیین برابر با $0/77$ بدست آمد. در گام بعدی نیز متغیر افزایش تولیدات دامی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با $0/75$ و ضریب تعیین برابر با $0/68$ بدست آمد. در گام بعدی متغیر افزایش تولیدات دامی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با $0/75$ و ضریب تعیین برابر با $0/68$ بدست آمد. در نهایت متغیر افزایش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با $0/79$ و ضریب تعیین برابر با $0/70$ بدست آمد.

جدول (۱): نتایج رگرسیون چندگانه، بررسی میزان نقش کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اقتصادی شهرهای حوزه نفوذ

شاخصهای توسعه اقتصادی	R	R ²	R ² تعدیل شده	سطح معناداری F	Beta	مقدار t
افزایش عدالت اقتصادی	678/0	541/0	530/0	001/0	700/0	800/3
هزینه‌های تولید در منطقه	543/0	353/0	307/0	000/0	820/0	345/6
افزایش صادرات محصولات منطقه	768/0	735/0	716/0	000/0	857/0	236/6
افزایش ظرفیت‌های تولیدی منطقه	875/0	865/0	855/0	000/0	930/0	459/9
جذب گردشگر	567/0	785/0	769/0	000/0	880/0	145/7
تقویت پایه‌های اقتصادی منطقه	700/0	502/0	466/0	002/0	708/0	756/3
ایجاد فرصت‌های جدید شغلی	765/0	664/0	640/0	000/0	815/0	255/5
استفاده کامل از مهارت‌های موجود در منطقه	903/0	813/0	800/0	000/0	902/0	811/7
تولید کشاورزی منطقه	765/0	832/0	785/0	000/0	875/0	874/2
امنیت درآمد	654/0	633/0	754/0	000/0	721/0	843/2
سرمایه گذاری مردم	743/0	766/0	654/0	000/0	654/0	743/4
سرمایه گذاری دولت	743/0	672/0	749/0	000/0	632/0	644/7
تنوع در محصولات کشاورزی	832/0	798/0	843/0	000/0	738/0	554/3
تغییر کاربری اراضی	843/0	773/0	654/0	000/0	698/0	738/2
افزایش تولیدات دامی	754/0	684/0	748/0	000/0	684/0	790/2
افزایش سطح زیر کشت محصولات کشاورزی	798/0	703/0	689/0	000/0	782/0	543/3

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

در ادامه نیز به منظور بررسی نقش نقش کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. متغیر مستقل (کارکرد شهر نیکشهر) و متغیرهای وابسته (اجتماعی)، دارای رابطه معناداری در سطح $P=0/05$ می‌باشد. لذا در ابتدا ۱۴ متغیر اجتماعی برای پیشبینی متغیر مستقل مورد استفاده واقع شدند. در اولین گام متغیر دسترسی به مراکز آموزشی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با ۰/۶۵ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۴ بدست آمد، به عبارتی دیگر ۰/۷۴ درصد تغییرات متغیر وابسته یعنی توسعه اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ توسط این متغیر تبیین میگردد. در گام دوم متغیر رضایت از امکانات آموزشی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با ۰/۷۶ و ضریب تعیین برابر با ۰/۸۹ بدست آمد. در گام سوم متغیر دسترسی به مراکز بهداشتی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با ۰/۸۴ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۶ بدست آمد. در گام چهارم متغیر عدم وجود بیمارهای عفونی در منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با ۰/۷۴ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۹ بدست آمد. در گام پنجم متغیر رضایت از عملکرد نهادها وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با ۰/۷۸ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۵ بدست آمد. در گام ششم متغیر دسترسی به حمل و نقل مناسب در منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با ۰/۷۵ و ضریب تعیین برابر با ۰/۶۸ بدست آمد. در گام هفتم متغیر رضایت از امکانات تفریحی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با ۰/۶۵ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۵ بدست آمد. در گام هشتم متغیر عدالت اجتماعی منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با ۰/۸۹ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۵ بدست آمد. در گام نهم متغیر عدم تنش وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چندگانه R برابر با ۰/۷۴ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۸ بدست آمد. در گام دهم متغیر

رضایت از زندگی وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با ۰/۷۹ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۵ بدست آمد. در گام بعدی متغیر مشارکت در سطح منطقه وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با ۰/۷۶ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۵ بدست آمد. در گام بعدی متغیر رضایت از امنیت وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با ۰/۷۹ و ضریب تعیین برابر با ۰/۸۷ بدست آمد. در گام بعدی متغیر فرصت پیشرفت وارد معادله گردید. مقدار ضریب همبستگی چند گانه R برابر با ۰/۶۷ و ضریب تعیین برابر با ۰/۷۴ بدست آمد.

جدول (۲): نتایج رگرسیون چندگانه جهت بررسی میزان نقش کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ

مقدار t	Beta	F	سطح معناداری	R ² تعدیل شده	R ²	R	شاخصهای توسعه اجتماعی
567/2	678/0	000/0		654/0	743/0	654/0	دسترسی به مراکز آموزشی
654/3	843/0	000/0		876/0	895/0	765/0	رضایت از امکانات آموزشی
543/2	793/0	000/0		752/0	765/0	849/0	دسترسی به مراکز بهداشتی
764/2	654/0	000/0		843/0	798/0	745/0	عدم وجود بیمارهای عفونی در منطقه
664/3	743/0	000/0		859/0	753/0	785/0	رضایت از عملکرد نهادها
654/2	790/0	000/0		764/0	689/0	754/0	دسترسی به حمل و نقل مناسب در منطقه
544/2	654/0	000/0		843/0	754/0	654/0	رضایت از امکانات تفریحی
897/2	754/0	000/0		785/0	754/0	893/0	عدالت اجتماعی
654/2	745/0	000/0		984/0	784/0	743/0	عدم تنش
765/0	654/0	000/0		862/0	754/0	793/0	رضایت از زندگی
795/0	743/0	000/0		759/0	753/0	764/0	مشارکت در سطح منطقه
765/0	654/0	000/0		754/0	875/0	794/0	رضایت از امنیت
563/4	693/0	000/0		684/0	765/0	654/0	میزان تعلق در منطقه
765/2	874/0	000/0		856/0	846/0	673/0	فرصت پیشرفت

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

بررسی و اولویت‌بندی توسعه اقتصادی و اجتماعی در شهرهای حوزه نفوذ شهرستان نیکشهر

جهت بررسی و رتبه‌بندی ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی از نرم‌افزار Expert Choice استفاده شده است. در این مطالعه گروه‌های تصمیم‌ساز شامل متخصصان در حوزه مورد مطالعاتی می‌باشند، پس از تشکیل ساختار سلسله مراتبی برای تعیین وزن هر عنصر تصمیم‌گیری، مقایسه دو به دو عناصر صورت گرفت. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، جهت تحلیل آنها از نرم‌افزار Expert Choice که بر اساس فرایند تحلیل سلسله مراتبی عمل می‌کند، استفاده شد. بدین ترتیب برای هر عامل در هر سطح از مجموع نظرات کارشناسان، میانگین هندسی گرفته شد و سپس میانگین‌ها وارد نرم‌افزار Expert Choice شد. شکل (۳)، نتیجه نهایی را به نمایش می‌گذارد.



شکل (۳): وزن نهایی عاملها، منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

همانطور که در شکل شماره (۳)، ملاحظه می‌شود، در بین ابعاد توسعه به ترتیب بعد اقتصادی با وزن به دست آمده ۰/۵۵۰، ابعاد اجتماعی با وزن به دست آمده ۰/۴۵۰، بالاترین و پایینترین وزن‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

رتبه‌بندی شهرهای حوزه نفوذ نیکشهر با تاکید بر ابعاد توسعه با استفاده از مدل **FUZZY VIKOR** جهت بررسی سوال پژوهش با استفاده از مدل ویکور فازی به رتبه‌بندی شهرهای حوزه نفوذ نیکشهر با تاکید بر ابعاد توسعه پرداخته شده است.

جدول (۴): محاسبه مقادیر جمع فازی برای هر شهر

شهر	اقتصادی	اجتماعی
اسپکه	66/0, 75/0, 58/0	50/0, 066/0, 99/0
بنت	14/0, 0, 49/0	57/0, 41/0, 16/0

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

جدول (۵): دیفازی کردن ماتریس تصمیم‌گیری و وزن دهی

شهر	اقتصادی	اجتماعی
اسپکه	0332/0	346/0
بنت	4/0	441/0

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

جدول (۶): محاسبه ماتریس وزنی

شهر	اقتصادی	اجتماعی
اسپکه	072/0	056/0
بنت	089/0	071/0

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

جدول (۷): مقادیر Q به دست آمده شهرهای حوزه نفوذ نیکشهر

شهر	Q	اولویت
اسپکه	640/0	1
بنت	360/0	2

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱۳۹۸

همانطور که در جدول (۷)، ملاحظه می‌شود، در بین شهرهای مورد نظر، شهر اسپکه با Q به دست آمده ۰/۶۴۰، شهر بنت با Q به دست آمده ۰/۳۶۰، اولویت اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند.

نتیجه‌گیری و دستاوردهای علمی و پژوهشی

امروزه بروز مسایل و مشکلات بیشماری نظیر تمرکز جمعیت، فعالیت و خدمات در شهرهای بزرگ سبب عدم تعادل‌های منطقه‌ای و نوعی گسیختگی فضایی شده است. استان سیستان و بلوچستان نیز از این قاعده مستثنی نیست و نابرابری و عدم تعادل در توزیع بهینه خدمات و امکانات سبب پخشایش نامتوازن جمعیت در پهنه استان و برهم خوردن نظام سکونتگاهی شده است. این استان، از جمله استان‌هایی است که با مشکل نخست شهری رو به رو است، از آن جا که تمامی امکانات و سطوح عالی خدماتی، اجتماعی، اقتصادی در شهر زاهدان قرار دارد، بنابراین روز به روز به جمعیت این شهر اضافه شده و از جمعیت شهرهای کوچک و میانی کاسته می‌شود، بنابراین باید با اعمال سیاست‌هایی و با کمک شهرهای میانی و کوچک و توجه به نقش این شهرها از پدیده نخست شهری جلوگیری کرد. در این میان، شهرهای حوزه نفوذ شهر مرکزی استان، با مشکلاتی از قبیل ضعف شبکه ارتباطی و عدم امکان دسترسی مناسب به شهرها و روستاهای منطقه، کمبود تاسیسات و تجهیزات، ضعف خدمات زیرساختی و توان عملکردی پایین در ارائه خدمات به منطقه و همچنین داشتن تعداد زیاد شهرهای کوچک روستا روبرو است،

در این راستا تقویت شهر کوچک نیکشهر در راستای تقویت توسعه ناحیه‌ای، می‌تواند نقش مثبتی در توسعه شهرها کوچک و روستاهای منطقه داشته باشد. لذا در این پژوهش به دنبال آن هستیم که جایگاه، شهر نیکشهر را به عنوان یک شهر کوچک در توسعه شاخصهای پایداری شهرهای حوزه نفوذ (بنت و اسپکه)، بررسی نموده و مسائل و مشکلات را تجزیه و تحلیل تا از این راه بتوان مسیر توسعه متعادل ناحیه‌ای را فراهم کرد.

لذا به این منظور، جهت بررسی سوال اول و دوم پژوهش "تحلیل نقش کارکرد شهر نیکشهر در توسعه اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ" از رگرسیون چندگانه به روش گام به گام استفاده شده است. ۳۰ متغیر (اجتماعی و اقتصادی)، به ترتیب وارد معادله شدند، در نهایت نتایج نشان داد که متغیر مستقل (کارکرد شهر نیکشهر) و متغیرهای وابسته (اقتصادی و اجتماعی) دارای رابطه معناداری در سطح $P=0/05$ می‌باشد. که این نشان از این دارد که کارکرد شهر نیکشهر تاثیر بسزایی در توسعه اقتصادی و اجتماعی شهرهای حوزه نفوذ دارد.

همچنین جهت بررسی و رتبه‌بندی ابعاد توسعه اقتصادی و اجتماعی از نرم افزار Expert Choice استفاده شده است. نتایج نشان داد، در بین ابعاد توسعه به ترتیب بعد اقتصادی با وزن به دست آمده ۰/۵۵۰، ابعاد اجتماعی با وزن به دست آمده ۰/۴۵۰، بالاترین و پایینترین وزنها را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه نیز جهت بررسی سوال سوم پژوهش با استفاده از مدل ویکور فازی به رتبه‌بندی شهرهای حوزه نفوذ نیکشهر (اسپکه و بنت)، با تاکید بر ابعاد توسعه پرداخته شد. نتایج نیز در این قسمت از پژوهش نشان داد، در بین شهرهای مورد نظر، شهر اسپکه با Q به دست آمده ۰/۶۴۰، شهر بنت با Q به دست آمده ۰/۳۶۰، اولویت اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. لذا نتایج نشان داد که شهر نیکشهر در شهرهای حوزه نفوذ تاثیر متفاوتی ایجاد کرده است.

به عنوان نتیجه پایانی این مبحث می‌توان عنوان کرد که شهرهای اسپکه و بنت شهرهای حوزه نفوذ نیکشهر، نیازمند دریافت و ایجاد امکانات و تسهیلات اولیه زیستی و ارتقای سطح متغیرهای توسعه‌ای می‌باشند و شهر نیکشهر از این جهات دارای توانمندی و تاثیر کارایی خاصی می‌باشد. بنابراین در صورت وجود برنامه‌ریزی‌های مناسب توسعه‌ای و شناسایی پتانسیل‌های بالقوه این شهر به طور مستقیم، امکان نگهداشت و افزایش جمعیت در شهرهای حوزه نفوذ شهر مذکور، توانمندی خاصی را برای نیکشهر ایجاد می‌نماید تا بتواند به قطبی قدرتمند در خدمات‌رسانی منطقه خود مبدل گردد و نقش موثر را در جذب جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی داشته باشد. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش مکانیکی و همکاران (۱۳۹۸)، هم راستا است. آنها نشان دادند که شهر کوچک خوسف میتواند دارای نقش واسطه‌ای در ارائه خدمات به حوزه‌های نفوذ خود باشد. همچنین با پژوهش بهسا و همکاران (۱۳۹۶)، که نشان دادند توسعه و تقویت شهرهای کوچک توسعه منطقه‌ای را به دنبال دارد و در واقع این شهرها در صورت برخورداری از شرایط و امکانات لازم و با مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب می‌توانند نقش مهمی در تعادل بخشی و توسعه منطقه‌ای ایفا نمایند. هم راستا است. نتایج پژوهش آدم و پاتیرسیا (۲۰۲۰)، نیز با نتایج تحقیق حاضر همسو می‌باشد. نتایج تحقیق نتایج آنها نشان داد که شبکه شهرهای کوچک در لهستان در توسعه اقتصادی - اجتماعی، منطقه پیرامون تاثیر به سزایی داشته است. این پژوهش با پژوهش قادرمرزی و رحمانی (۱۳۹۸)، همسو نمی‌باشد. آنها

در پژوهش خود بر ضعف ساختار اقتصادی شهر کوچک دهگلان تاکید داشته و آن را نشانه ضعف این شهر نسبت به حوزه نفوذ می‌دانند. به عنوان نتیجه پایانی این مبحث می‌توان عنوان کرد که در صورت وجود برنامه‌ریزی‌های مناسب توسعه‌ای و شناسایی پتانسیل‌های بالقوه شهر نیکشهر به طور مستقیم، امکان نگهداشت جمعیت در شهرهای حوزه وجود خواهد داشت و افزایش جمعیت در شهرهای حوزه نفوذ شهر مذکور، توانمندی خاصی را برای شهرهای ایجاد می‌نماید تا بتواند به قطبی قدرتمند در خدمات رسانی منطقه خود مبدل گردد و نقش موثر را در جذب جمعیت و توسعه اقتصادی و اجتماعی، کالبدی و زیست محیطی داشته باشد. در این خصوص پیشنهادهایی در ذیل مطرح گردیده است:

□ با تقویت و توسعه شهر نیکشهر، زمینه‌هایی جهت ایجاد فرصت‌های شغلی و امکان تأمین درآمد سرانه بالاتر در شهرهای حوزه نفوذ فراهم می‌آید، از قبیل: آموزش‌های حرفه‌ای به جوانان، اعطای تسهیلات دولتی جهت کارآفرینی و ایجاد کارگاه‌های کوچک، تنظیم ثبات قیمت برای محصولات کشاورزی، حمایت از سرمایه‌گذاران و تأمین امنیت آنها.

□ ایجاد فرصت‌های شغلی و گسترش کارگاه‌ها و شهرک‌های صنعتی در شهرهای حوزه نفوذ که عامل مهمی در جلوگیری از مهاجرت روزانه و کاهش وابستگی این شهرها به شهر نیکشهر می‌شود.

□ حمایت سازمان‌های دولتی در جهت راه اندازی شهرک صنعتی در حومه دو شهر اسپکه و بنت و گسترش و ارتقاء آن در راستای ایجاد مشاغل پایدار.

□ توجه به زیرساخت‌ها و امکانات توسعه‌ای در ارتباط با جهت‌دار کردن و جذابیت بخشیدن به شهرهای اسپکه و بنت و عدم وابستگی آن به شهر نیکشهر.

□ ایجاد تعادل در توزیع منابع و امکانات اقتصادی، اجتماعی در همه سطوح سلسله مراتب سکونتگاهی در منطقه. افزایش درآمد و رفاه جمعیت ساکن در شهرهای اسپکه و بنت از طریق توسعه بخش کشاورزی و ایجاد مشاغل غیر زراعی در بخش‌های صنعتی و خدماتی و غیره به عنوان یک پیشنهاد برای توسعه واقعی این شهرها.

□ تقویت پیوندهای اقتصادی بین نیکشهر شهرهای اسپکه و بنت و روستاهای حوزه نفوذ از طریق تأسیس بازارهای کشاورزی محلی، منطقه‌ای و تقویت مبادلات کشاورزی و یکپارچه کردن آن.

□ در امر سیاستگذاری جهت پایدارسازی ابعاد اجتماعی، توجه به عواملی که سبب افزایش کیفیت زندگی شهرهای حوزه نفوذ نیکشهر می‌شود ضروری است. پایداری اجتماعی که گاه با مضامینی چون سرمایه اجتماعی و انسانی همراه می‌شود، مقوله‌های همچون سلامت و بهداشت، سطح مهارت‌ها، دانایی، همگن‌سازی اجتماعی توأم با منافع متقابل و حفظ ارزش‌ها را با تاکید بر سه عنصر تعادل، عدالت و آزادی همگام می‌سازد. در این معنا پایداری اجتماعی در شهر نیکشهر موجب تعامل بیشتر شهروندان می‌شود تا حضور و ظهور داوطلبانه آنان و به ویژه اقشار فقیر در صحنه‌های اجتماعی و اقتصادی تسهیل گردد و در نهایت از طریق فعال سازی مردم، زمینه

توانمندی آنان مهیا شود و احساس تعلق‌شان به مکان زندگی افزایش یابد. در واقع تاکید بر ابعاد اجتماعی توسعه پایدار، نقش و جایگاه آنها را در فرایند برنامه‌ریزی برای شهرهای حوزه نفوذ بیشتر از گذشته مورد توجه قرار دهند.

منابع

- ابراهیم‌زاده، عیسی، طیبی، نجمه، شفیعی، یوسف، (۱۳۹۱)، تحلیلی کارکردی از نقش اقتصادی شهرهای کوچک در توسعه روستایی مطالعه موردی، زاهدشهر در بخش شیبکوه فسا، نشریه: جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی (مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان)، دوره ۲۳، شماره ۲ (پیاپی ۴۶)، صص ۱۷۱-۱۵۵.
- بگلری، زهرا، جلیلیان، مراد، عزیزی، زهرا، (۱۳۹۵)، ارزیابی جایگاه شهرهای کوچک در توسعه ناحیه‌ای: مطالعه موردی شهر سرپل ذهاب، پنجمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه‌ریزی، معماری و شهرسازی، تهران، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار، موسسه آموزش عالی مهرارون.
- بهسا، عبدالله، زرآبادی، سعیده، زهراسادات، (۱۳۹۶)، بررسی تعادل بخشی و توسعه منطقه ای در ایران با تاکید بر شهرهای کوچک، کنفرانس بین‌المللی عمران، معماری و شهرسازی ایران معاصر، تهران، دانشگاه اسوه، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- پریزادی، طاهر، (۱۳۹۱)، عدالت فضایی با رویکرد تقویت شهرهای میانی، نشریه: مطالعات مدیریت شهری، دوره ۴، شماره ۹، صص ۴۳-۵۵.
- جمعه پور، محمود، (۱۳۸۴)، مقدمه‌های بر برنامه‌ریزی توسعه روستایی، دیدگاه‌ها و روش‌ها، انتشارات سمت، چاپ پنجم.
- حاتمی‌نژاد، حسین، پورحسین، حمید، محمدپور، صابر، منوچهری میان‌دوآب، ایوب، (۱۳۹۰)، تحلیل عملکرد فضایی شهر میانی مرند در سطح شهرستان مرند، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۳، شماره ۷۸، صص ۲۳-۴۳.
- خسروی، سیدمحمدرضا، شمس، مجید، ذاکر حقیقی، کیانوش، (۱۳۹۶)، مطالعه تطبیقی قاعده رتبه اندازه و مدل دیفرانسیل شهری در نظام سلسله مراتبی شهری استان همدان با تاکید بر نقش شهرهای کوچک، نشریه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۷، شماره ۲۸، صص ۸۰-۶۵.
- رضوانی، محمدرضا، گلی، علی، اکبریان رونیزی، سعیدرضا، (۱۳۸۶)، نقش و عملکرد شهرهای کوچک در توسعه روستایی با استفاده از روش تحلیل شبکه مورد: دهستان رونیز (شهرستان استهبان)، نشریه: پژوهش‌های جغرافیایی، دوره ۳۹، شماره ۶۱، صص ۵۸-۴۵.
- روستایی، شهریور، باقری، محمد، (۱۳۸۹)، بررسی عملکرد شهرهای کوچک در توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی بخش مرکزی شهرستان رزن)، نشریه فصل نامه جغرافیایی چشم انداز زاگرس، دوره ۲، شماره ۴، صص ۲۱-۵.
- سالنامه آماری استانداری سیستان و بلوچستان، (۱۳۹۷)، استانداری سیستان و بلوچستان.
- شیخ‌الاسلامی، علیرضا، محجوبی، علی، (۱۳۹۶)، تحلیلی بر تنگناها و مشکلات و محدودیت‌های کانون‌های شهری کوچک (نمونه موردی شهر اشترینان)، سومین کنفرانس ملی مهندسی عمران، معماری و توسعه شهری، بابل، موسسه علمی تحقیقاتی کومه علم آوران دانش.
- طرح جامع شهر نیکشهر، (۱۳۹۵)، شهرداری شهر چابهار.
- علی اکبری، اسماعیل، طالشی، مصطفی، فرجی دارابخانی، محمد، (۱۳۹۵)، تحلیل نقش و جایگاه شهرهای کوچک در توازن و توسعه منطقه‌ای (مورد مطالعه: غرب کلان منطقه زاگرس)، نشریه: اقتصاد و مدیریت شهری، دوره ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۷)، صص ۶۵-۴۹.
- فرمانداری شهرستان نیکشهر، (۱۳۹۷)، واحد برنامه‌ریزی منطقه‌ای.
- فنی، زهره، (۱۳۸۲)، شهرهای کوچک رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، تهران، سازمان شهرداری های کشور.
- فنی، زهره، (۱۳۸۳)، شهرهای کوچک و توسعه منطقه‌ای (مطالعه موردی: منطقه تهران)، نشریه: صفه، دوره ۱۴، شماره ۳۸، صص ۹۴-۸۱.
- فوادمرعشی، سیدمومن، مجردخضرآباد، ثریا، (۱۳۹۲)، توجه به شهرهای میانی، رویکردی دیگر در توسعه منطقه‌ای، همایش ملی معماری پایدار و توسعه شهری، بوکان، شرکت سازه کویر.
- قادرمزی، محسن، رحمانی، محمد، (۱۳۹۸)، بررسی نقش شهرهای کوچک در توسعه فضایی منطقه‌ای (نمونه موردی شهر دهگلان)، نشریه آمایش محیط، دوره ۱۲، شماره ۴۴، صص ۲۱-۴۲.
- میسرا، آر. پی، (۱۳۵۳)، چارچوب مکانی برنامه ریزی چند سطحی در ایران، دفتر آموزش برنامه‌ریزی منطقه ای، تهران.
- میکائیکی، جواد، پیراهش، نیره سادات، وفاتیفرد، مهدی، (۱۳۹۸)، شهرهای کوچک و توسعه پایدار سکونتگاه های پیرامونی مورد: شهرخوسف، دو فصلنامه توسعه فضاهای پیراشهری ۱ (۱)، صص ۱۹-۲۸.

نتایج سرشماری نفوس و مسکن، (۱۳۹۵)، سازمان آمار کشور.
نصیری هندخاله، اسماعیل، (۱۳۸۸)، بررسی تاثیر نقش شهرهای کوچک در سازماندهی نظم فضایی (مطالعه موردی، شهر بومهن)، نشریه: جغرافیا و برنامه ریزی منطقه‌ای، دوره ۱، پیش شماره، صص ۴۲-۲۷.
نوری زمان آبادی، سیدهدایت اله، حسینی ابری، سیدحسن، خادمی، حسین، (۱۳۸۸)، نقش شهرهای کوچک در تعادل بخشی نظام سکونتگاهی روستایی استان یزد، نشریه جغرافیا و توسعه، دوره ۷، شماره پیاپی ۱۳، صص ۷۷-۶۱.
نیک‌سرشت، مهدی، دادورخانی، فضیله، رستمی، شاه بختی، شوهانینژاد، معصومه، (۱۳۹۱)، تحلیل و ارزیابی کارکرد شهرهای کوچک در توسعه روستاهای پیرامونی (نمونه موردی: شهر سرابله- شهرستان شیروان- چرداول)، نشریه: برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۲، شماره ۷، صص ۶۴-۵۵.
هاروی، دیوید. (۱۳۷۶)، عدالت اجتماعی و شهر، ترجمه: فرخ حسامیان و دیگران، ناشر شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری وابسته به شهرداری تهران.

Adam, S, Patrycja, S-I, (2020), Socio-economic development of small towns in the Polish Cittaslow Network, A case study, *Cities*, Volume 103, August 2020, pp 203-224.

Blowers, A. (2013). *Planning for a sustainable environment*. Routledge.

Chen, X. (1991), Chinas City Hierarchy, *Urban Policy and Spatial Development in the 1980s*, *Journal of Urban Studies*, Vol. 28, No. 3.

George, O, (2003). Regional development in Place, District capitals (small towns) and decentralised development in Ghana, a theatrical perspective, Norway, tromso.

Hinrey, N, (2007): small Towns and urban planning in developing country, *urban studies*, Vo 133, N946.

Kamanda, U, (2007): concept of urban centers and small town in Latin America: Brazilia.

Kwiattek-Sołtys, A. (2011). Small towns in Poland-barriers and factors of growth. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 19, p 363-370.

Lu, H., & Campbell, D. E. (2009). Ecological and economic dynamics of the Shunde agricultural system under China's small city development strategy. *Journal of Environmental Management*, 90(8), 2589-2600.

Okali, Christian et al. (2001). *Sustainable Development Strategies: What they are and how their development cooperation agencies can support them?* Paris, OECD.

Pumain, D. (2003), *Scaling Laws and Urban Systems*, available at: <www.santafe.edu> (July 2008).

Tacoli, C. (2004). The Role of small intermediate urban contra town and the value of regional approaches to rural poverty reduction policy. OECD, Helsinki.

Tacoli, C. (2006), *Rural-Urban Linkages Research and Initiative: Lessons and Key Issues from International Experiences*, in *Fostering New Development Pathways: Harnessing Rural-Urban linkages to reduce Poverty and improve Environment in the Highlands of Ethiopia*, proceeding of a Planning Workshop on Thematic Research Area of the Global Mountain Program (GMP) held in Addis Ababa, Ethiopia, August 29-30, PP. 45-55.

Yankson, P.W.K., (2004): Decentralization and poverty reduction: The role of District Assemblies in Ghana, A paper presented at a NUFU Workshop on Poverty, Health and Gender at the University of Ghana, Legon.